

تبیین عرفانی مقام حضرت فاطمه زهرا (س)

شناخت «شخصیت حقیقی» فاطمه زهرا (س) برای عموم مردم عادی و معمولی ناممکن است مگر آفاقی از معرفت به ابعاد و اضلاع و جودی اش از طریق «ثقلین» گشوده گردد و دریچه‌ای به حقیقت وجودش باز شود.



شناخت «شخصیت حقیقی» فاطمه زهرا (س) برای عموم مردم عادی و معمولی ناممکن است مگر آفاقی از معرفت به ابعاد و اضلاع و جودی اش از طریق «ثقلین» گشوده گردد و دریچه‌ای به حقیقت وجودش باز شود.

خبرگزاری مهر، گروه دین و آئین، محمدجواد رودگر / rlm& / مائده شاکری راد: معرفت به کنه وجودی فاطمه زهرا (س) یا «فاطمه شناسی» حتی برای حکیمان متأله و صنف عارفان الهی و عالمان ربانی میسر نیست، مگر آنکه انسان از راه تحلیل، توصیف و تبیین «ثقلین» وارد ساحت وجودی او شود و از این طریق بتواند محرم اسرار و رازهای حرم شخصیت حقیقی آن معمای ناشناخته ذهن و معارف بشری گردد و به قدر سعه وجودی و ظرفیت عقلی و قلبی اش ادراک و عرفان به آن کوثر هستی یابد

«شناخت حدی» فاطمه (س) از راه قرآن و سنت معصوم (ع) نیز بسیار دشوار است. مگر آنکه قرآن شناسان، سنت دانان اهل تفسیر، حکمت و عرفان رقایقی از حقایق معرفتی آن بانوی برتر عالمیان را فرا روی انسان‌ها قرار دهد تا از آموزه‌های فاطمی و اسرار معارفی او بهره گرفته و به سنت و سیره اش در جنبه‌های علمی و عملی اقتداء نمایند. به تعبیر علامه جوادی آملی:

درباره حضرت زهرا (س) سخن گفتن سهل و ممتنع است و سهولتش فراوانی فضیلت اوست و صعوبت آن برای عمق و ژرفای غیر قابل غوص و شنای آن می باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۷)

آری صعوبت معرفت به حقایق وجودی و کمالات امکانی فاطمه زهرا (س) را می توان با رویکردها و رهیافت‌های ذیل مطرح نمود:

الف) رویکرد وجود شناختی، ب) رویکرد معرفت شناختی، ج) رویکرد اجتماعی - سیاسی

الف) رویکرد وجودشناختی

از حیث وجودی، هرچه هستی چیزی محدودتر باشد، شناخت آن نیز آسان تر است و هرچه وسیع تر و گسترده تر باشد توسعه یافته تر باشد یا قوت و شدت وجودی اش بیشتر و عمیق تر باشد، شناخت آن نیز سخت تر و دشوارتر است تا برسد به هستی محض که «لیس کمثله شیء» هیچ چیزی مانند او نیست (شوری: ۱۱). «ولم یکن له کفوا احد» و هیچ کس همتا و همانند او نبوده (توحید: ۴).

وجودی که علی (ع) در معرفت به آن فرمود: «لا یدرکه بعد الهمم و لا یناله غوص الفطن» خدایی که افکار ژرف اندیش ذات او را درک نمی کنند و دست غواصان دریای علوم به او نخواهد رسید (نهج البلاغه، خ اول).

حال با اندک تأملی می توان فهم کرد که فاطمه زهرا (س) از حیث وجود امکانی «دارای عالی ترین درجه وجودی و کامل ترین مرتبه هستی است و به همین دلیل در تفسیر فرات کوفی از امام صادق (ع) نقل شده است که آن حضرت در تفسیر این آیه «انا انزلناه فی لیل القدر» فرمود: شب، فاطمه است و «قدر» خداوند است، پس هرکس فاطمه را واقعاً شناخت، شب قدر را درک کرده است و همانا فاطمه، فاطمه نامیده شد، زیرا مردم از درک و شناخت او عاجزند و این آیات «و ما ادراک ما لیل القدر، لیل القدر خیر من الف شهر تنزل الملائکه و الروح فیها» یعنی فاطمه زهرا، از هزار مؤمن با فضیلت تر است و هم اوست که مادر مؤمنین است امام در ادامه تفسیر سوره قدر فرمودند: مراد از ملائکه مؤمنینی هستند که علم آل محمد را ملکه خود قرار می دهند و مراد از روح القدس همانا فاطمه زهرا است» (فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰: ۵۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳: ۶۵؛ تفسیر البرهان، ج ۴: ۴۸۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۸۱۸).

پس «فطموا عن معرفتها» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳: ۶۵) دال بر این است که مرتبه وجودی او به گونه‌ای است که نزد صاحب نظران و بسیاری از صاحب بصران شاهد، مشهود نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۷، ۱۳۸).

از سوی دیگر طبق نظریه حقیقت محمدیه (ص) که برگرفته از آموزه های و حیانی است، پیامبر اعظم (ص) مظهر تام بی همتا و تجلی اعظم و واسطه فیض است و خلیفه الله الاعظم و خداوند سبحان نیز در آینه دل انسان کاملی چون او تجلی نمود و عکس انوار تجلیات از آئینه دل او بر عالم فایض گشت و حدوث و بقا و آغاز و انجام هستی بواسطه فیض وجود اوست (آملی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۲۵۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۶: ۱۱۷):

ز احمد تا احد یک میم فرق است

جهانی اندر این یک میم غرق است

اهل بیت پیامبر (ص) از نور وجود او آفریده شده اند. در حدیث جابر نیز روایت شد که پیامبر (ص) فرمود: «اول ما خلق الله نوری ابتدعه من نوره و اشتقه من جلال عظمته» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۵: ۲۴).

و از امام صادق (ع)، از پدرانشان از امام حسن مجتبی (ع) روایت شد که فرمود:

«از جدم رسول خدا شنیدم که می فرمود: «من از نور خدای عزوجل آفریده شدم و اهل بیتم از نور من آفریده شدند و دوست دارانشان از نور آنان خلق شدند. سایر مخلوقات نیز در آتش اند» (همان: ۲۰). بر حسب روایات، خداوند نور حضرت زهرا (س) را از همین نور آفرید و سپس از نور امیر المؤمنین و فاطمه زهرا (س) نور امام حسن و امام حسین (ع) را خلق فرمود (همان: ۹).

و از باب اینکه فاطمه زهرا (س) مصداق آیه نور «الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکاة فیها مصباح المصباح فی زجاجة»؛ خداوند نوری است که آسمان ها و زمین به سبب آن پدید آمده اند و برای او نوری ویژه مؤمنان است.

این نور در مثل همچون چراغدانی است که در آن چراغی باشد و آن چراغ در بلوری؛ (نور: ۳۵) است. و به تعبیر علامه طباطبایی (رض) «چون وجود و هستی هر چیزی باعث ظهور آن چیز برای دیگران است، بنابراین وجود مصداق تام نور می باشد و از سوی دیگر چون موجودات امکانی، وجودشان به ایجاد خدای متعال است، پس خدای متعال کامل ترین مصداق نور می باشد. اوست که ظاهر بالذات و مظهر ماسوای خویش است و هر موجودی به وسیله او ظهور می یابد و موجود می شود» (طباطبائی، بی تا، ج ۲: ۷۸).

از آنجا که فاطمه (س) از نوری خلق شد که به دو نیم شده و نیمی از نور رسول خدا (ص) و نیم دیگر از امیر المؤمنین (ع) (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴۰۴) و سپس نور فاطمه (س) آفریده شد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۵: ۲۲؛ ج ۱۵: ۹) و اینکه فاطمه (س) زهره آسمان و زهراء زمین نامیده شد، شاید به این دلیل است که ملک و ملکوت طفیل وجود اوست و به نور وجه او که «وجه الله» است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۶۵؛ فروغ صفار، ۱۴۰۴: ۶۱). همه ذرات عالم به نور وجود درخشش یافته و همه هستی به یک معنا غرق در نور وجود فاطمه (س) است. بنابراین ساحت وجودی او ساحتی فراتر و والاتر از همه موجودات امکانی غیر از وجود پیامبر اعظم (ص) و علی (ع) است و معرفت به حقیقت حدی و وجودی اش بسیار دشوار و شبیه به ممتنع است، مگر اینکه وجودش از راه آیات و احادیث و معارف نبوی، علوی و ولوی در ظرف ادراک بشر راه یابد. این یکی از عمیق ترین معانی در خصوص مراتب کلی و جزئی حقیقت محمدیه (ص) و اوصیای ایشان و نور وجود، پاره تن، ثمره دل و نور چشم تجلی اعظم الهی یعنی صدیقه طاهره فاطمه زهرا (س) است (درود آبادی، ۱۴۱۳: ۳۹۵، ۳۹۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۶: ۱۱۷)

ب) رویکرد معرفت شناختی

اگر چه راه معرفت به حقیقت وجود، به روی انسان باز است و انسان مجهز به سرمایه بالقوه و بالفعل معرفتی است و دارای ابزار، منابع و معیارهای معرفت شناختی است و از عقل، قلب و قوای ادراکی چون گوش، چشم و...؛ و برخوردار بوده و می تواند قله های بلند و ستیغ و ستبری را از حیث شناخت فتح نماید، لکن هستی هایی امکانی وجود دارند که «فتح معرفتی» آنها ممکن نیست به تعبیر علامه جوادی آملی: «در منطقه امکان، شناخت حصولی یا حضوری موجودی دشوارتر از شناخت وجودی پیامبر اعظم (ص) و عترت طاهره اش (س) نمی باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۶) چه اینکه همتایی برای آنها در عالم وجود و هندسه هستی نیست تا ظرف ادراک آنان گردد و به تعبیر آن استاد فرزانه وحکیم متأله «نهی همتایی برای اهل بیت (ع) به لحاظ خود اهل بیت (ع) از باب سالبه به انتفاء موضوع است، چون کثرتی بین خود آنان نیست و اما به لحاظ غیر، سالبه به انتفاء محمول است» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۵). در

حدیثی از امام رضا (ع) نیز صعوبت بلکه امتناع شناخت حقایق وجودی انسان کامل (معصومین (ع) و از جمله فاطمه (س)) مطرح شده است: «… الامام و احد دهره، لا یدانیه احد و لا یعاد له عالم و لا یوجد منه بدل، و لاله مثل و لا نظیر… ر. و هو بحیث النجم من ید المتناولین و وصف الواصفین، فأین من الاخیار هذا؟! و أین العقول عن هذا!؟....» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۰۱) بنابراین شناخت حصولی و شهودی حضرت فاطمه زهرا (س) به دلیل اینکه قوت و شدت وجود دارد امکان ناپذیر است و به تفسیر استاد جوادی آملی: «مردم از معرفت به آن بانو محروم و ممنوع اند» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۷، ۱۳۸).

پس «فاطمه شناسی» تنها از راه معرفی فاطمه شناسان که همانا خداوند سبحان که خالق فاطمه (س) است و پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) و ائمه هدایت و نور (ع) ممکن و میسر است و انسان معمولی تنها می تواند در پرتو انوار وجودی و فیض رحمانی خود فاطمه زهرا (س) که همه عالم و آدم به نور وجود او مستنیر و به ضیا او مستضی آند بهره هایی از معرفت به آن ذات الهی و نوری داشته باشد و در ساحت «معرفت شناختی» نیز نیاز به اضافت و انوار اوست که:

«خلق نور فاطمه الزهراء یؤمئذ کالقنديل و علقه فی قرط العرش فزهرة السماوات السبع و الارضون السبع من اجل ذلک سمیت فاطمه الزهراء» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۱۷).

ج) رویکرد اجتماعی - سیاسی

گفته شد شناخت «شخصیت حقیقی» فاطمه زهرا (س) برای عموم مردم عادی و معمولی ناممکن است مگر آفاقی از معرفت به ابعاد و اضلاع و جودی اش از طریق «ثقلین» گشوده گردد و دریچه ای به حقیقت وجودش باز شود. بر این اساس روشن است که هر انسانی به قدر طاقت خود توان ورود به حقایق وجودی اش را پیدا می کند.

کمالات حضرت زهرا دو نوع است:

الف) کمال وجودی - حقیقی که به «شناخت حدی» نیاز دارد.

ب) کمال حقوقی که به «شناخت رسمی» محتاج است که در حقیقت کمال اعتباری و عرضی است و البته بسیار ارزشمند است.

از حیث «متدلوژی معرفت» بایسته است به کمال حقیقی و حقوقی اش ادراک و عرفان یافت و از همه توانمندی های فطری - اکتسابی بهره جست و از حیث «جامعه شناسی معرفت» نیز راه را به شناخت همه ابعاد هستی اش باز نمود.

اگر چه شناخت حضرت دشوار است، لکن با تکیه بر «معارف و حیانی» ممکن و قابل حصول است و وصول به این شناخت باعث می شود که اسوه پذیری از حضرتشان در همه جنبه های زندگی نیز واقعیت یابد و حیات علمی - عملی و زندگی پاک و طیب فردی، خانوادگی و اجتماعی اش تابلوی زندگی معقول، معتدل، مشروع و سازنده دیگر آدمیان گردد به تعبیر علامه جوادی آملی:

«... تاریخ آغاز و انجام حیات ظاهری آن حضرت، در بستر وحی خدا رقم خورد و چونان قرآن مجید «ملکی الحدوث و ملکوتی البقاء» است و همسان قرآن کریم «تجری مجری الشمس و القمر» و هماره بدون آنکه افسون یا افسونه گردد، حیات بخش جامعه بشری است» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۴۶).

آری اگرچه «فاطمه (س) باطن لیل القدر است» (همان: ۱۵۵؛ حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۲۵۸؛ ۱۳۸۵: ۱۸۸) اما می توان بواسطه قرآن صامت و ناطق که ظرف وجود حضرتش «قرار گاه قرآن» و وعاء نزول و تجلی یازده قرآن ناطق است او را شناخت و سنت و سیره اش را الگوی «حیات طیبیه» قرار داده که به تعبیر استاد جوادی آملی «… حقیقت حضرت زهرا (س) مثل قرآن حقیقت عینی است نه ذهنی و شخصی است نه معنای کلی و شاهد حضوری است نه پرده نشین حصولی…» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۳۸، ۱۳۷).

بنابراین باید به تفسیر و تأویل شخصیت فاطمه (س) پرداخت و چنانکه تفسیر قرآن و تأویل وحی نیازمند شرایط تحصیلی و حصولی، علم الدراسه، علم الفراسه و علم الوراثة است، شخصیت شناسی فاطمه (س) نیز نیازمند چنین شرایط و مقدماتی است که اصحاب معرفت و معنویت به برکت قرآن و عترت از آن برخوردارند و باید به تفسیر و تأویل وجودی اش اهتمام جدی ورزند و آن آسمانی و عرشی را زمینی و فرشی کرده و البته بین عرش و فرش و آسمان و زمین وجودش

جمع کرد و محکمت و متشابهات وجودی اش را تأویل کرد تا از حیث جامعه شناختی دسترس پذیر و الگو پذیر گردد.

به همین منظور و پس از رویکردها و رهیافت های طرح شده اشاراتی چند پیرامون کمال حقیقی و حقوقی صدیقه طاهره (س) می نمایم تا کمال و کامل شناسی کنیم و تابلویی فرا روی انسان طالب کمال قرار دهیم.

۱- کمالات حقیقی فاطمه زهرا (س)

۱-۱: فاطمه زهرا (س) حجت خداوند بر ائمه (ع):

حجیت الهی مقامی والا و کمالی وجودی است که در اثر شأن علمی و عملی برتر حاصل می شود، اگر اهل بیت (ع) حجت های الهی بر مردم اند، فاطمه (س) حجت خدا بر ایشان است. امام حسن عسکری فرمود: «ما حجت خداوند بر خلق هستیم و فاطمه حجت بر ماست» (طیب، بی تا، ج ۱۳: ۲۳۵).

پس فاطمه زهرا (س) واسطه علمی وصول قرآن به ائمه اطهار (ع) و فیض الهی بر فرزندان می باشد و بالتبع حجت بر آنها خواهد بود یا چنانکه در تفسیر آیه نور: الله نور السموات و الارض مثل نور کمشکاة…» خداوند نوری است که آسمان ها و زمین به سبب آن پدید آمده اند… (نور: ۳۵) صالح بن سهل همدانی از امام صادق (ع) روایت کرده که حضرت فرمود: «الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکاه فاطمه (ع) فیها مصباح الحسن (ع) المصباح فی زجاجة الحسين (ع) الزجاجه کأنها کوكب دری فاطمه (ع) کوكب دری بین نساء اهل الدنيا…». نوره علی نور امام منها بعد امام یهدی الله لنور من یشاء یهدی الله الائمة من یشاء» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۸).

بر اساس این تفسیر حضرت ام الائمه (س) مشکاتی است که مصباح درخشان ائمه (ع) در او جای گرفته و انوار ایشان از مشکات وجود قدسی فاطمه زهرا (س) بر عالم تابش گرفته است. از سوی دیگر وجود مصحف فاطمه (س) که به تعبیر روایات کتابی است که قرآن نیست اما در آن هر آنچه مردم نیاز دارند موجود است که پس از رحلت پیامبر (ص) هفتاد و پنج روز زندگی حضرتش، جبرئیل بر او نازل شده و علوم مختلف را القا و وحی می کرد و علی (ع) آنها را می نوشت و آن نوشته ها مصحف فاطمه نامیده شد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۸۸؛ فروغ صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۰) (منظور آن است که هیچ آیه قرآنی در آن نیامده است اگر چه با حاق و حقیقت آن هماهنگی کامل دارد).

این مصحف اکنون نزد امام زمان (عج) است و چنانکه امام صادق (ع) فرمود:

مصحف فاطمه در نزد ماست و مردم چه می دانند که مصحف فاطمه چیست؟ راوی می گوید پرسیدم: مصحف فاطمه چیست؟ امام فرمود: «کتابی است به اندازه سه برابر قرآن و به خداوند سوگند که حتی یک حرف از قرآن هم در آن موجود نیست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۳۹) لذا مصحف فاطمی یکی از منابع علمی و دلیل امامت حقه ائمه (ع) به شمار می رود و حجیت فاطمه زهرا (س) را بر فرزندان در واقع از باب «وساطت علمی» بین خداوند و ایشان اثبات می نماید. انوار مقدس ائمه (ع) در ابتدای خلقت نیز از نور پاک و مطهر فاطمه (س) گرفته شده است و لازمه این مقام نیز حجیت آن حضرت بر فرزندان (ع) می باشد. (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۴۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۵: ۲۲، ج ۱۵: ۹) و این حقایق حکایتی از چهره ولایت فاطمه (س) است.

۲-۱: همتای علی (ع):

در حدیثی از امام صادق (ع) رسیده که فرمود: «لو لا ان الله - تبارک و تعالی - خلق امیر المؤمنین (ع) لفاطمه (س) ما کان لها کفو علی ظهر الارض من آدم و من دونه» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۱۶)

همنای صدیقه کبری (س) با امیر المؤمنین علی (ع) همه مقامات علمی و عملی حضرت را در بر می گیرد چه در ساحت هایی چون هستی شناسی، انسان شناسی، اسلام شناسی، مبدأ و معاد شناسی، و… که خطبه و نیایش های فاطمی دلالت روشن بر چنین امتیاز و کمال علمی ای دارد و چه در ساحت هایی عملی مثل عبادت و راز و نیاز، عدالت ورزی، وظیفه شناسی سیاسی و اجتماعی و… که مجموعه زندگی فاطمه زهرا (س) نشانه های محکم بر آن خواهد بود و به تعبیر استاد جوادی آملی: «هر دو مصداق کوثرند» (جوادی آملی، ۲۸۲، ج ۲). در حقیقت باید اذعان داشت که اگر علی (ع) مع الحق و الحق معه و الحق یدور دار علی. فاطمه زهرا (س) نیز چنین است و معیاری برای شناخت حق و عدل و جریان امامت و ولایت است. آنگاه که علی (ع) از پیامبر (ص) پرسیدند:

«اینما احب الیک؟ أنا او هی؟ قال (ص): هی احب الی و انت اعز علی». (امین، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۰۷).

با وجود چنین همتایی، فاطمه و علی (ع) در مقامات معنوی و کمالات حقیقی عدل هم اند و هر دو محبوب و عزیز دل سید کائنات عالم هستند.

۳-۱: فاطمه (س) مظهر پیامبر (ص):

یکی از کمالات وجودی و حقیقی فاطمه زهرا (س) این است که «ام ایها»، بهجت قلب رسول الله (ص)، پاره تن پیامبر (ص)، میوه دل سید و سالار کاروان هستی و علمداران راهنمایی و رهبری بشریت است و در شأن وجودی اش آمده است: «... وکانت اذا دخلت علی النبی (ص) قام الیها فقبلها و اجلسها فی مجلسه» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۷۱). تعبیر «قام الیها» نه «قام لها» اوج مرتبه وجودی ایشان را نزد خاتم پیامبران و سید مرسلین (ص) نشان می دهد. چون فاطمه (س) مظهر جمال و جلال الهی و جلوه مهر و قهر خدای سبحان است؛ از سوی دیگر فاطمه زهرا (س) جلوه جمال و جلال رسول الله (ص) نیز هست که در شأنش فرمود: «فاطمة بضعة منی، یسرنی مایسرها و یغضبونی ما یغضبها» (امین، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۰۷) یا فرمود: «یؤذینی ما آذاها» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۸، ج ۴: ۳۷۸؛ ابو نعیم اصفهانی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۱) یا در روایات دیگر از پیامبر اعظم (ص) بین خشنودی فاطمه (س) و خشنودی خود و خشنودی خداوند و خشم فاطمه (س) و خود و خدا رابطه برقرار کرد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۴۴؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۵۸) تا نشان دهد که همه هستی و حیات فاطمه زهرا (س) تجلی گاه توحید الهی و اراده خداوند متعال است و چه معیاری بالاتر از این که رضای فاطمه زهرا (س)، رضای خدا و غضب او غضب خداست یعنی او به مرتبه ای از کمالات حقیقی و وجودی رسیده است که «مظهر خدا» و آئینه دار طلعت یار و میزان مهر و قهر الهی است. پس او باید «فانی فی الله» شده و چیزی غیر از آنچه خداوند اراده کرده است را در قول و فعل خویش متبلور نساخته باشد و به نمایش نگذارد که خود نیز در یکی از نیایش هایش که آکنده از توحید و ولایت است فرمود: «شغلتنی لذه خدمته، لا حجه لی غیر النظر الی وجه الکریم، یا رب لیست من احد غیرک تتلج بها صدی، تسر بها نفسی، تقربها عینی و یطمئن بها قلبی» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۳: ۶۸).

نتیجه آنکه فاطمه زهرا (س) در تبیین و تفسیر و تأویل معارف قرآنی و سخنگویی نبوت و رسالت، معیار و میزان است و از همه مهمتر حجت است در معارف توحیدی و اعتقادی، معارف معنوی - عرفانی (اخلاق، تربیت و سیر و سلوک) در معارف فقهی - شرعی و همچنین در «اجتماعیات» در «معنویات» و «اعتقادیات» یعنی در حوزه امامت و رهبری، تحولات سیاسی - اجتماعی و نیز گفتار و رفتارش حجت دارد.

از سوی دیگر فاطمه زهرا (س) مصداق بارز «آیه تطهیر» است که خداوند سبحان به اراده تکوینی و «حصر» انما یرید الله «جز این نیست که خدا می خواهد) (احزاب - ۳۳) و فعل مضارع «یرید» بصورت مقام «دفع» نه «رفع» اذهاب رجس کرده و تطهیر از هر ناپاکی نموده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۷۳-۷۴) در نتیجه طبق آیه «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون، لا یمسه الا المطهرون تنزیل من رب المعالمین» که این کتاب قرآنی گرانمایه و ارجمند است، و در لوحی که از هرگونه تغییر و دگرگونی مصون است قرار دارد، و جز پیراستگان از گناه، هیچ کس به علم آن دسترسی نخواهد داشت، آن از نزد پروردگار جهانیان فرو فرستاده شده است (واقعه: ۷۷-۸۰)

فاطمه زهرا (س) از قرآن شناسان، راسخان در علم و تأویل کنندگان قرآن کریم است و طهارت و عصمت زهرا (س) و مقام ولایتی که دارد او را معیار دین و دینداری و حجت الهی بر بشر قرار داده است تا محمد (ص)، فاطمه (س)، علی (ع) و ائمه (ع) با هم یک حقیقت واحد را تشکیل دهند و نشانه های توحید و عبودیت حقیقی باشند و «حقیقت ام الكتاب» قرار گیرد. (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۱۲۱)

۴-۱: فاطمه (س) حقیقت کوثر است:

عامه و امامیه در خصوص تفسیر سوره کوثر «بسم الله الرحمن الرحیم، انا اعطیناک الکوثر، فصل لربک و انحر، ان شأنتک هو الایتر» اتفاق دارند که در شأن فاطمه زهرا (س) و نسل و ذریه او نازل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۴۰۴؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۴۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۸۳). کوثر نیز دال بر خیر کثیر، نعمت فزاینده و رو به تزاید و تمام نشدنی است (این منظور، ۱۴۰۵، ج ۵: ۱۳۳؛ طباطبایی، ج ۲۰: ۶۳۵، ۶۳۸). فاطمه (س) کوثر وجود است و منبع پر فیض همه اهل ولایت و عبودیت است. خود «کوثر» نیز تجلی گاه تولی و تبری است، چنانکه در خصوص «چشمه کوثر» آمده که دشمنان اهل بیت (ع) از آن محروم و محبین آنان بواسطه آن سیراب می شوند (فیض کاشانی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۸۳؛ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲: ۶۲۴).

علامه حسن زاده آملی در این خصوص مرقوم داشته اند: «کوثر آن جویی است در بهشت که جمیع چشمه های بهشت از آن جاری می گردد؛ فاطمه معصومه (ص) آن کوثری است که همه انهار علوم و معارف از آن کوثر جاری است» (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۲۶۵) پس کوثر، کوثر معرفت، کوثر ولایت، کوثر عبودیت، کوثر قرب و لقاء الهی و فاطمه زهرا (س) منشأ انهار چهارگانه یعنی آب، شیر، شراب و عسل است چنانکه فرمود: «أنا منی انهار الماء و اللبن، و الخمر و العسل فی الجنان» (جبرئیل قمی، ۱۳۶۳: ۸۰) در نتیجه همه چشمه های حیات آفرین، تعهدزا، شور انگیز، و عشق آفرین، هدایت گستر در همه عرصه های علمی و عملی در حضرت فاطمه زهرا (س) تجلی یافت.

۵-۱: فاطمه زهرا (س) صاحب «ولایت در امور عامه»

یکی از مباحث بنیادین، صاحب ولایت بودن صدیقه کبری (س) است که عالمان دینی در کتب تفسیری، حدیثی، تاریخی به آن اشاره کرده اند. جناب «استاد شیخ محمد سند بحرانی» در کتاب «مقامات حضرت فاطمه (س)» در کتاب و سنت به طرح، تبیین و تحلیل شمول همه آیات مربوط به اهل بیت پیامبر (ص) بر فاطمه (س) می پردازند.

ایشان به آیات مودت ذی القربی (شوری: ۲۳؛ سباء: ۴۷؛ فرقان: ۵۷)، آیه اکمال (مائده: ۳)، تبلیغ (همان: ۶۷)، آیات مربوط به مقربین و ابرار و سوره دهر، (۵-۹، مطفقین، ۱۸-۲۸) و آیه «قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون» (توبه: ۱۰۵) و «بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتو العلم» (عنکبوت: ۴۹) اشاره می کنند.

آری قرآن کتابی جمع آوری شده و نگارش یافته نیست، بلکه آیاتی روشن و روشنگر است که در سینه کسانی که به آنان دانش عطا شده است نهفته است و با استفاده از احادیث و روایات منقول از شیعه و سنی و کتب تفسیری می توان ولایت عامه فاطمه زهرا (س) را اثبات نمود (بحرانی، ۱۳۸۷: ۱۱۷-۱۸۰).

۶-۱: جلواتی از کمالات وجودی (جامع کمالات):

انسان کاملی چون فاطمه زهرا (س) در همه ابعاد و ساحت های وجودی کامل است و یکی از مهمترین ساحت های وجود ایشان، ساحت «عبودیت» است؛ عبودیتی که به دو طرف معرفت شهودی به خدا و محبت شهودی به خدا وصل است و او را تسلیم محض و منقاد صرف خداوند و رسول خاتم او (ص) کرده است و سرباز ولایتش ساخته است. اینکه در روایت آمده شب تا صبح را به «عبادت خدا» و مناجات با معبود و راز و نیاز با محبوب سپری می کرد، به گونه ای که پاهای او تاول زد و روزها نیز به عبادات الهی و انجام امور داخلی منزل و تربیت فرزندان اهتمام داشت، نشانی از انس با خدا و معرفت به وظایفی چون خانه داری و پرورش امامان هدایت و سعادت داشت و این همه را با «عرفان و عشق» انجام می داد و در صورت لزوم وارد میدان جهاد شده و ایفای نقش می کرد همه و همه روایت جامعیت شخصیت آن بانوی برتر عالمیان است.

آری صبغه اصلی شخصیت فاطمه زهرا (س) «بندگی محض و مخلصانه خدا» بود، بندگی ای که بر محور مبدأ شناسی و معاد شناسی شهودی و عشق به دیدار با جمال دل آرای الهی صورت می گرفت و او که «فانی فی الله» و ناظر به «وجه الله» شد تا خود «وجه الله» گشت و هرگاه در محراب عبادت قرار می گرفت زمین و آسمان و اهل آن را روشن و درخشان می کرد. شیخ صدوق از جعفر بن محمد بن عماره از پدرش امام صادق (ع) روایت نموده است که از آن حضرت پرسید:

چرا فاطمه (س) «زهرا» نامیده شد؟ حضرت فرمودند: «زیرا هنگامی که فاطمه (س) در محراب عبادت می ایستاد نورش برای اهل آسمان می درخشید، همچنانکه نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۱۲).

ابن شهر آشوب از ابو هاشم عسگری از امام حسن عسکری (ع) روایت می کند که از آن حضرت سوال کرد: چرا فاطمه (س) «زهرا» نامیده شد؟ حضرت فرمودند:

«زیرا رخسار او در ابتدای روز مانند خورشید فروزان، در وقت زوال مانند ماه تابان و در وقت غروب همچنان ستاره درخشان برای امیرالمؤمنین (ع) می درخشید» (المناقب ج ۳: ۳۳۰؛ ج ۴۳: ۱۶).

ناگفته نماند که انوار ساطع از فاطمه زهرا (س) جلوه های متفاوت داشته است، گاه «سفید»، گاه «زرد» و گاهی نیز

«سرخ» بود. چنانکه در روایتی از امام صادق (ع) نوری که در نماز صبح می درخشید «سفید» و در نماز ظهر «نور زرد» و در نماز مغرب و پایان روز «نور سرخ» از او درخشش می گرفت (صدوق، بی تا، ج ۱: ۱۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۱۱). برای این انوار تفسیرهای مختلفی ذکر شده است که در این میان علامه محمد باقر مجلسی تفسیر پدر بزرگوارش علامه محمد تقی مجلسی را پسندیده و ذکر کردند و با طرح این نکته که اشیا در عالم خواب و مکاشفه صورتی مثالی دارد، گفته اند نور زرد عبارت است از «عبادت» که با فرح و شادی انجام می گیرد و نور زرد در پیشانی متعهدین نمایان شده و نور سفید «علم» است که منشأ آشکار شدن و ظهور هر چیزی است و نور سرخ از «محبت» حکایت می کند که در صورت اهل بیت در وقت فوران محبت مشاهده شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۴۲؛ ج ۵۵: ۱۱).

پس دارای مقام «عبودیت» و کمالات وجودی علمی و عملی صدیقه کبری (س) و مظهر و تجلی گاه نور خدا، نور رسول خدا (ص) و امیر المؤمنین و مشکات این انوار بودند و همه عالم و آدم و دنیا و آخرت و آسمان و زمین به «نور زهرا» منور و درخشان است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۵: ۵؛ ج ۲۵: ۲۴؛ ج ۴۳: ۷۵، ۶، ۳۲۹).

آنچه فاطمه زهرا (س) را به چنین مقامات معنوی و کمالات وجودی رساند همانا «عبد مخلص» خدا بودن او بود. فاطمه زهرا (س) عبودیت عارفانه و عاشقانه داشت و تنها به وصال محبوب و «لقاء الله» می اندیشید. از ویژگی های دیگر فاطمه زهرا (س) چنانکه در روایات آمده این است که مظهر «صبر، بردباری و پایداری» بود: «یا ممتحنه امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک فوجدک لما امتحنک صابره» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۹۴). علی (ع) در وصف وجودیش فرمود: «الزهراء نعم العون علی طاعة الله» (همان، ج ۴۳: ۱۱۷).

سنت و سیره علمی و عملی حضرت زهرا نشان می دهد که به همه ابعاد اعتقادی، اخلاقی - عرفانی و فقهی - اجتماعی نظر داشته و معارف و شواهد فراوانی را از خویش بر جای گذاشته که خطبه ها، کلمات قصار و ادعیه و نیایش های فاطمی گواه روشن چنین رویکردهای جامع نگرانه است و در عالم جامعه و سیاست نیز به تعبیر علامه جوادی آملی: «حضرت فاطمه (س) کثرت گرایی و پلورالیسم سیاسی و اجتماعی را در ظل وحدت و لزوم انسجام امت و هماهنگی ملت مسلمان با سنت حسنه خود پذیرفت و آن را امضا کرد» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۵۹).

حال با اندک توجه عقلی و قلبی و انصاف علمی و عملی می توان فهم کرد که فاطمه زهرا (س) الگوی تمام عیار جاودانه و تجلیگاه کمالات الهی - انسانی و مظهر سیر صعودی انسان به سوی انگیزه، اندیشه، اخلاق، اعمال یا بینش ها، گرایش ها، کنشش ها و کوششش ها توحیدی - ولایی است و به حقیقت زهره آسمان و زهرای زمین است تا همه سالکان کوی ولای و شائقان عرصه لقاء او را اسوه حسنه قرار دهند. چه اینکه او «صراط مستقیم»، «وجه الله» و «حجة الله» است.

۲- کمالات حقوقی فاطمه زهرا (س)

گرچه کمالات حقوقی، اعتباری اند، اما ریشه در کمالات حقیقی دارند و پیوندهای ذاتی میان آنها برقرار است. از جمله کمالات حقوقی شخصیتی آن حضرت صدیقه کبری (س) است، زیرا اگر دخت نبی و زوجه ولی است، در وصف چنین پیوندی آمده که پیامبر اکرم (ص) به امیر المؤمنین (ع) فرمود: «أبشر یا علی فان الله قد زوجک بها فی السماء قبل ان زوجکما فی الارض» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۱۰۸). از پیامبر (ص) نیز نقل شد که فرمود: «ان الله تبارک و تعالی اخی بینی و بین علی بن ابی طالب و زوجه ابنتی من فوق سبع سماواته و اشهد علی ذالک مقربى ملائکته» (همان: ۹۸).

این سخن نشان می دهد که پیوند میان پیامبر (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) پیوندی ریشه دار در عالم حقیقت است و ازدواج نیز قبل از آنکه زمینی باشد آسمانی است تا ازدواج نیز حقیقی باشد نه اعتباری محض، چنانکه در حدیثی وارد شد که «نور با نور» ازدواج کرد (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۶۰؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۵۹۲؛ صدوق، ۱۴۰۳، ج ۲: ۶۴۰).

در تفسیر و تأویل آیه ذیل، در خصوص جایگاه مادری فاطمه برای حسنین (ع) نیز نکاتی مطرح شده است: «مرج البحرین یلتقیان، بینهما برزخ لا یبغیان، یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان» آن دو دریای شور و شیرین را که پیوسته باهم برخورد می کنند در هم آمیخت، میان آن دو حایلی است که از حد خود در نمی گذرد و هیچ یک بر دیگری غالب نمی شود، از آن دو دریا مروارید درشت و ریز بیرون می آید (الرحمن: ۱۹، ۲۰). از امام صادق (ع) وارد شد که «مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان» یعنی علی و فاطمه (ع) هستند که یکی بر دیگری تجاوز و ظلم نمی کند و «یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان» یعنی از آن دو، حسن و حسین خارج می شوند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۴: ۹۸).

پس اگر چه رابطه پدری، همسری و فرزندی در میان است اما این پیوند مجازی و اعتباری و عرضی محض نیست که

کمال محسوب نشود، بلکه حاکی از حقایق تکوینی و تشریحی و کمالات واقعی است و حدیث آل کساء و عبا که فاطمه (س) نیز در محور آن قرار گرفته است، می توان آئینه نمایش موقعیت مهم و جایگاه حضرتش در نظام وجود باشد که در حدیث قدسی «لولاک» نیز می توان منزلت فاطمه زهرا (س) را از منظرهای مختلف معرفتی اعم از حدیثی - تفسیری، کلامی - فلسفی و عرفانی - شهودی مورد تحقیق و تدقیق قرار داد و ادراک کرد.

بنابراین کمالات حقوقی «فاطمه زهرا (س)» چونان کمالات حقوقی و اعتباری انسان های معمولی نیست، بلکه از مقام «ولایی» او حکایت می کند و در پیوند تام با کمالات حقیقی اوست و فاطمه شناسی با عطف توجه به هر دو نوع کمالات یاد شده ممکن است و لاغیر.

«فاطمه شناسی» در حد وسیع بشر معمولی و انسان عادی نیست و این حقیقت پرده از اسرار وجودی آن «کوثر هستی» و گوهر آفرینش بر می دارد که از حیث «وجود امکانی»، وجودی برتر و دارای قوت و شدت مراتب هستی است. اوست که مصداق حدیث قدسی «لولاک» نیز می باشد و مظهر اسماً جمال و جلال الهی است و به نور وجودش عالم و آدم درخشان و از گریبانش خورشید نبوت، امامت و ولایت تجلی و درخشش یافت. بنابراین از جهت «وجود شناختی» «معرفت شناختی» و «جامعه شناختی» نمی توان به عمق و رازهای وجود امکانی اش پی برد، بلکه تنها در پرتو آموزه های وحیانی و «معارف ثقلین» که از آفاق قرآن صامت و ناطق هدیه بشریت شده است، هر انسانی بقدر طاقت و ظرفیتش توان قرب معرفتی و سپس قرب وجودی به شخصیت الهی او را دارد و ما نیز در نوشتار حاضر به دو نوع شناخت حدی و رسمی اش را که روایتی از کمال حقیقی و حقوقی اش شده باشد، بر اساس معارف قرآنی و آموزه ها و گزاره های نبوی، علوی و ولوی تحلیل کرده ایم تا آن انسان کامل «ملکی الحدوث و ملکوتی البقاء» اسوه جاودانه و الگوی ابدی همه مشتاقان کوی کمال و سالکان وصال قرار گیرد که از جنبه های شخصیت لاهوتی و ناسوتی اش به خصوص «حجت الهی» بودنش تبیین شده است تا قرب و بعد و قبض و بسط معرفتی - رفتاری نسبت به آن محبوب دل پیامبر (ص) و صاحب ولایت الهیه بر اساس میزان استعداد، تلاش و مجاهدت آدمیان همواره معنا و مبنای خودش را داشته باشد که شناخت حصولی و حضوری، مفهومی و شهودی حضرتشان و تشبیه عملی به او بسیار دشوار اما در سایه سار شجره طیبه معارف اهل بیت (ع) ممکن است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آملی، سید حیدر. (۱۴۲۰). تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم. چاپ دوم، قم:

انتشارات نور علی نور.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۲۸). الاصابه فی تمییز الصحابه. بیروت: دار احیا التراث العربی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه علمیه قم.

ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبد الله. (۱۴۰۹). حلیه الاولیاء. بیروت: دار الکتب العلمیه.

اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱). کشف الغمه. بی جا: مکتبه بنی هاشمی تبریزی.

امین، محسن. (۱۴۰۳). اعیان الشیعه. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

بحرانی، محمد سند. (۱۳۸۷). مقامات حضرت فاطمه. ترجمه، تحقیق و نگارش، احمد خوانساری، چ چهارم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

جبرئیل قمی، شاذان بن جبرئیل. (۱۳۶۳). الفضائل. قم: انتشارات رضی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۲). سرچشمه اندیشه. قم: مرکز نشر اسرا.

- (۱۳۸۲). سروش هدایت. قم: مرکز نشر اسرا.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۹). شرح فص فاطمیه. تهران: نشر طوبی.
- (۱۳۸۵). ده رساله فارسی. قم: نشر الف، لام، میم.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین. (۱۴۰۹). تأویل الایات الظاهره. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- دروآبادی، سید حسین. (۱۴۱۳). الشموس الطالعہ. بی جا: مؤسسہ العروہ الوثقی.
- دیلمی، حسن بن الحسن. (۱۴۱۲). ارشاد القلوب. بی جا: انتشارات شریف رضی.
- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن. (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: منشورات مکتبه آیہ العظمی مرعشی نجفی.
- صدوق، محمد حسین. (۱۳۶۲). الامالی. بی جا: انتشارات کتابخانہ اسلامیہ.
- (۱۴۰۳). الخصال. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد حسین. (بی تا). علل الشرایع. قم: انتشارات مکتبه الداوری.
- طباطبایی، محمد حسین. (بی تا). تفسیر المیزان. ترجمہ سید محمد باقر ہمدانی، قم: انتشارات اسلامی.
- طیب، سید عبد الحسین. (بی تا). اطبیب البیان. تهران: انتشارات بنیاد فرہنگ اسلامی.
- فروغ صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴). بصائر الدرجات. قم: انتشارات کتابخانہ مرحوم مرعشی نجفی.
- فیض کاشانی، ملأ محسن. (۱۳۷۹). تفسیر الصافی. چ سوم، تهران: انتشارات مکتبه الصدر.
- (۱۳۸۶). کلمات مکنونہ. قم: مطبوعات دینی.
- قمی، علی بن ابراہیم بن ہاشم. (۱۴۰۴). تفسیر قمی. قم: مؤسسہ دار الکتاب قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
- کوفی، فراب بن ابراہیم. (۱۴۱۰). تفسیر فرات. بی جا: مؤسسہ چاپ و نشر.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: مؤسسہ الوفاء.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (بی تا). الارشاد. قم: منشورات مکتبه بصیرتی